

# کار و پژوهش در سایه عالم آل محمد

۲



ویژه فرهنگ و معارف رضوی  
| سال دوم | ویژه نامه ۵۰۰ |

تکته‌ها / آیت الله مصباح یزدی  
**اقتباس از زندگی  
حضرت زهرا**  
**چرا و چگونه؟**



از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا کنون ۱۷ مجوز برای انتشار ۳۶ هزار نسخه قرآن کریم صادر شده است

**حساسیت‌های چاپ و نشر  
کتاب خدا**

گفت و گو با دوتین از دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)  
به مناسبت ۱۶ آذر

**رسالت دانشجوی چیست؟**

آیت الله شب زنده‌دار مطرح کرد

**۲ کارکرد مطالبه عمومی  
عفاف و حجاب**



## روضه‌های خانگی و فرصت جهاد تبیین

پشتیبانی بنیاد کرامت رضوی از برپایی مجالس دهه فاطمیه

بنیاد کرامت رضوی با پشتیبانی از برپایی روضه‌های خانگی دهه فاطمیه در سراسر کشور، برنامه‌هایی در راستای جهاد تبیین و یاری محرومان را دنبال خواهد کرد.

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی در جلسه توجیهی شبکه مردمی قرارگاه نجمه خاتون که به منظور احیای روضه الزهرا (س) دهه فاطمیه برگزار شد، در این باره گفت: همان طور که این قرارگاه در دهه آخر صفر و ایام شهادت امام رضا (ع)، بستر فعالیت‌های اجتماعی بانوان بود، تصمیم داریم از این ظرفیت در دهه فاطمیه نیز استفاده کنیم. فاطمه دژبرد با اشاره به فرصت ...



## درباره زندگی و مبارزات محمد بن ابی‌عمیر، صحابی باوفا و صاحب سر دو امام

### یار «لب دوخته» ثامن الحجج

رفت و خواست ادای قرض کند. ابن ابی‌عمیر از وی پرسید: این چیست؟ مرد گفت: پولی که از تو قرض گرفته بودم. محمد دوباره سؤال کرد: آیا به تو اربت رسیده یا کسی به تو بخشیده است و یا قطعه زمین زراعتی را فروخته‌ای؟ مرد جواب داد: خیر! خانه‌ام را فروختم تا قرضم را ادا کنم. ابن ابی‌عمیر گفت: امام صادق (ع) فرموده است که هیچ کس به خاطر قرضی که دارد، نباید از خانه‌اش خارج شود و خانه‌اش را بفروشد. به خدا قسم که محتاج یک درهم هستم، اما از این پول، حتی یک درهم را وارد خانه‌ام نمی‌کنم.

#### ■ صاحب تألیفات متعدد

محمد بن ابی‌عمیر دانشمندی عالی‌قدر و مؤلفی توانا بود. بیش از ۷۰ محدث شیعه و اهل سنت، نزد وی شاگردی کردند و یکی از

و می‌نویسد: «او در منظر شیعه و سنی، مطمئن‌ترین افراد [در نقل روایت] است». ابن ابی‌عمیر دل‌باخته مکتب اهل‌بیت (ع) و مدافع فداکار آن بود. مورخان او را در فراگیری روایت‌ها، بسیار کوشا دانسته‌اند تا جایی که نقل شده است، بسیاری از احادیثی را که از امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) شنیده بود، در حافظه داشت و در مناسبت‌های گوناگون به بیان آن‌ها می‌پرداخت. همین مسئله موجب شد که دستگاه خلافت عباسی نسبت به ابن ابی‌عمیر احساس خطر کند و او جز در دوران ولایتعهدی امام رضا (ع)، از تعرض عباسیان در امان نماند.

#### ■ عابد و زاهدی کم‌نظیر

محمد بن ابی‌عمیر را اهل عبادت‌های طولانی توصیف کرده‌اند. محمد بن شاذان نیشابوری نقل



آن‌ها به نام ابراهیم بن هاشم، از ابن ابی‌عمیر نزدیک به ۳ هزار حدیث نقل کرده است. ابن بطه قمی، محدث نامدار شیعه در قرن چهارم، ابن ابی‌عمیر را صاحب ۹۴ کتاب در حوزه اصول عقاید و حدیث می‌داند. اغلب این کتاب‌ها، پس از بازداشت وی به دست مأموران مأمون (پس از شهادت امام رضا (ع)) توسط خواهران ابن ابی‌عمیر در جایی دفن شد تا از گزند عمال خلیفه محفوظ بماند، اما همه آن‌ها پوسید و از بین رفت و امروزه تنها نام حدود ۲۰ کتاب و رساله وی بر ما معلوم است.

کرده سجده شکر ابن ابی‌عمیر در میان مردم بغداد، زادگاه وی، ضرب‌المثل بوده است. او به تمام معنی زاهد و از زخارف دنیوی گریزان بود و می‌کوشید زندگی خود را بر اساس تعالیم اهل‌بیت (ع) تنظیم کند. شیخ صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» می‌نویسد: «محمد بن ابی‌عمیر پارچه‌فروشی پردرآمد بود. او به شخصی که نیازمند بود، هزار درهم قرض داد. بعدها اموالش را مصادره کردند و فقیر شد. وقتی آن شخص نیازمند فهمید که ابن ابی‌عمیر فقیر شده است، خانه مسکونی خود را به بهای هزار درهم فروخت و نزد ابن ابی‌عمیر

#### ■ محمدحسین نیکبخت

به دستور هارون، خلیفه ستمگر عباسی، او را به زندان انداخته بودند و هر روز شکنجه می‌کردند. مدعی بودند مسند قضاوت را که خلیفه به وی پیشنهاد کرده، نپذیرفته است اما همه می‌دانستند که قضیه چیست. محمد بن ابی‌عمیر از یاران صاحب سر موسی بن جعفر (ع) بود و هارون می‌دانست وی بیشتر شیعیان خاص امام کاظم (ع) را می‌شناسد و مکان زندگی آن‌ها را می‌داند؛ خلیفه عباسی اسرار شبکه ارادتمندان اهل‌بیت (ع) را می‌خواست و محمد بن ابی‌عمیر، زیر آن همه شکنجه توان فرسا تحمل می‌کرد و دم برنمی‌آورد. بعدها که از آن دخمه جهنمی نجات یافت، برای یکی از دوستانش تعریف کرد: «مرا ۱۰۰ ضربه شلاق زدند تا محل شیعیان و اسامی آن‌ها را بگویم. ابتدا امتناع کردم، اما از شدت درد، نزدیک بود لب بگشایم که صدای محمد بن یونس را شنیدم که می‌گفت: محمد بن ابی‌عمیر! تقوا پیشه‌کن و منزلگاه خود را نزد خدا به یاد آور. پس صبر کردم تا فرج حاصل شد». برخی از مورخان و محدثان، محمد بن ابی‌عمیر را به سبب همین مقاومت و واگویی نکردن اسرار اهل‌بیت (ع) در سخت‌ترین شرایط، «یار لب‌دوخته» لقب داده‌اند. او پس از شهادت امام کاظم (ع)، در زمره یاران امام رضا (ع) قرار گرفت و در پی شهادت آن حضرت نیز حدود ۱۵ سال به تعقیب، تبعید، زندان و شکنجه مأمون و معتصم عباسی مبتلا بود، تا در سال ۲۱۷ قمری دار فانی را وداع گفت.

#### ■ دل‌باخته مکتب اهل‌بیت (ع)

محمد بن ابی‌عمیر بن عیسی اژدی، در میان اهل حدیث و راویان اخبار ائمه (ع)، نامی بسیار آشنا و مورد اعتماد است. محدثان بزرگ شیعه، او را به عنوان راوی ثقه و امین معرفی می‌کنند. شیخ طوسی، ابن ابی‌عمیر را از متقی‌ترین، عابدترین و معتبرترین اصحاب امام کاظم (ع) و ثامن الحجج (ع) می‌داند و «گشتی» در کتاب «رجال» خود درباره ابن ابی‌عمیر می‌نویسد: «همه به فقیه بودن و عالم بودنش اقرار دارند». مرحوم شیخ عباس قمی، محدث نامی در بیان جایگاه ابن ابی‌عمیر، پا را فراتر از این می‌گذارد

## منبر مجازی

### تغافل را فراموش نکن!



**حجت‌الاسلام رفیعی |** نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم، موضوع بدخلقی در نوشتار هست. الان خیلی‌ها پیامک می‌زنند، کامنت می‌زنند، پیام‌هایی در فضای مجازی می‌گذارند، مطلبی می‌نویسند. مراقب باشیم این‌ها نیش نداشته باشد. تحقیرکننده نباشد. فرق نمی‌کند. یک اخلاق بد می‌تواند در گفتار بیاید، می‌تواند در رفتار بیاید، می‌تواند در نوشتار بیاید. اگر نوشتار ما کسی را زده کند، سبب ناراحتی کسی شود، طبیعتاً همان آثار گفتار و رفتار را خواهد داشت. می‌خواهم عرض کنم که روایت هم فراوان داریم. یک قول لَین، یک نوشته لَین، خیلی از اوقات در واقع موجب تغییر و تحول در انسان می‌شود. همین مثالی که می‌گویم شما می‌توانی بگویی بفرما، می‌توانی بگویی بنشین اما با بفرما یک احترامی سر طرف می‌گذاری... الفاظ غوغا می‌کند، معجزه می‌کند. واژگان معجزه می‌کنند. خیلی مهم است نوع انتخاب واژه‌ها، انتخاب الفاظ، بعضی‌ها فحش نمی‌دهند اما متأسفانه حرفی می‌زنند که از فحش بدتر است. آنچنان طرف را آتش می‌زند، می‌سوزاند... ان‌شاءالله تمرین کنیم، نذر کنیم، توجه کنیم این نوع بدخلقی در ما ریشه‌کن می‌شود. بعضی‌ها فکر نکنند این‌ها صفات ذاتی لایتغیر است... نه، این صفات قابل تغییر است.

روایت داریم اگر کسی در زندگی‌اش تغافل نباشد، زندگی‌اش از هم می‌پاشد. هیچ حلم و بردباری به اندازه تغافل اثر ندارد... به خصوص نسبت به افراد فریب خورده... آقا یک فحش داد، یک ناسزایی گفت، یک دادی زد، یک شعاری داد. تا دست روی شانه او می‌گذاری عکس آن را شعار می‌دهد. داشت مرگ می‌گفت حالا می‌گوید درود. پس این معلوم است از روی اعتقاد نیست. این آمده در یک جوی قرار گرفته است. این‌ها را می‌شود با تغافل اصلاح کرد. می‌شود نادیده گرفت. به خصوص بحث تغافل برای دبیران آموزش و پرورش، برای استادان دانشگاه، برای مسئولان خیلی مهم است. آقا یک دانشجویی حالا شما رد شدی، دیدی می‌خواهد تقلب کند اما رنگش پرید، در جیبش گذاشت. دیگر او را از سر جلسه امتحان بلند نکن... شما یک عکسی در موبایل بچه خود دیدی. یک چیزی را از رابطه پدرت یا دخترت، مادر یا پدر متوجه شدی. نگذار دیگر پدر او متوجه شود. همه فامیل متوجه شوند... به روی او نیاور اما غیرمستقیم به او بفهمان که این رابطه، رابطه درستی نیست. روایت هم داریم شما با کنایه خطای یک کسی را به او بگویی، این تأثیرگذارتر است تا مستقیم بگویی.

## فیلمکوت زندگی

### یک عاشقانه برفی

**رقیه توسلی |** می‌پرسیم: برف می‌زند نه؟ دمای مشهد انگار شده منفی ۴ یا ۵ درجه. می‌گوید: آره اما خدا به سر شاهده احساس نمی‌کنم. مطبوع و لطیفه هوا! می‌گویم: مراعات غذایی یادت نره خاله‌جان. نوشابه و کره و برنج و شیرینی قدغنه برات. می‌گوید: بیاین خودتون ببینین... اگر یکی چکه سرگیجه و درد و فشار و نفس تنگی آمده باشه سروقتتم. اینجا شفاخونه‌ست قربون شکلتون. همین پیش پای شما، رفقا خبر دادند غذای حضرت قسمت شده. نخورم؟

می‌پرسیم: به «سارا» زنگ زدین؟ دل‌اوپستان بود. با خنده می‌گوید: یادم رفت چرا؟ چشم، تماس می‌گیرم. قدیمیا درست گفتن دختر آدم، مادر آدم می‌شه. می‌پرسیم: هتل چطوره؟ دوستان همراهن؟ می‌گوید: «یعنی عالی‌تر از این نمی‌شه. الحمدلله یکدست پیر و پاتال و مجنونیم. تا یادم نرفته از خانمی تعریف کنم اینجا که توی خانه‌داری هتل کار می‌کنه. همون روز اول دلبسته من شد. آمد جلو گفت یک لحظه فکر کردم مادر خدایم‌رمز زنده شده.

خبر ببینه هر وقت شیفته میاد احوال‌پرسی و محبت... هر چه می‌پرسیم، خوب نیست فقط... از نظر خاله فوق‌العاده است... بهترین است... وقتی می‌آیی حرم ثامن الحجج، انگار آمده‌ای وسط نور... از نظر او مشهد، همه چیز درجه یک می‌شود... هتل و هوا و غذا و همسفر و خادم و حال و احوال و همه چیز... متوسط نداریم... چهارشنبه هم که می‌رسد، بهشت می‌شود زندگی... و چقدر درست می‌گوید و مثل عشاق فکر می‌کند... قلم پُر می‌کشد سمت هوای برفی و گرم مشهد... خورشید

برف و باران را یک جا می‌بینم... خاله‌جان را که دارد توی حرم نماز می‌خواند... زواری که اشک و لبخندشان درهم است... از این دوست داشتن‌های بی‌ریا کیف می‌کنم... تلفن که تمام می‌شود، می‌بینم انرژی خاله منتقل شده... عطر بازار رضا را برمی‌دارم از روی میز... خانام امروز باید بوی یاس بگیرد... عطر نوستالژی و مهربان و عاشقانه مشهد. **سنجاق** هر چیز قاعده‌ای دارد، جز عشق. عشق انگار تا ابد بی‌قاعده است.







